



## تدوین مدل بهینه ارتباطات بین فرهنگی با هدف قوام بخشی به تجربه زیسته کاربران در فضاهای عمومی چندفرهنگی معاصر

(مطالعه موردی: خیابان سی تیر، تهران)

مریم محمدی<sup>1</sup> و سهیل رجبی واجارگاه<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 98/03/31

تاریخ پذیرش: 99/02/02

**چکیده:** فضاهای عمومی چندفرهنگی را می‌توان بستری مطلوب برای کُنش جمعی دانست که امکان ارتباط، تبادل آراء و نیز حضور گروه‌های مختلف فرهنگی را فراهم می‌آورد. اما عوامل سیاسی در چنین بسترهایی می‌تواند مانع برقراری ارتباط مطلوب خرده فرهنگ‌ها با یکدیگر و شکل‌گیری غنا و تنوع فرهنگی ناشی از مبادلات بین فرهنگی و از این راه، زمینه به حاشیه راندن و طرد برخی از فرهنگ‌ها را سبب شود. هدف این مقاله تبیین اهمیت خلق فضاهای چندفرهنگی و تبیین مدل بهینه ارتباطات بین فرهنگی از طریق بررسی تجارب زیسته کاربران، به عنوان رویکردی منتخب برای ارزیابی میزان موفقیت فضاهای چندفرهنگی است. مقاله حاضر، پژوهشی تحلیلی و اکتشافی است. بستر مورد مطالعه این پژوهش خیابان سی تیر تهران است و به منظور بررسی تجربه زیسته پیروان ادیان مختلف که نماینده فرهنگ خودی هستند، از تکنیک مصاحبه عمیق بهره‌گیری شده است. 43 نفر در این مصاحبه شرکت کردند و اعتبار یافته‌ها از طریق اشباع نظری حاصل شده است. نتایج کدگذاری داده‌ها در ابعاد مختلف فضای زیسته، ضمن بازشناسی عواملی که بر هر بعد تأثیر دارند، نشان داد که زرتشتیان نسبت به سایر خرده فرهنگ‌ها در برقراری روابط زیسته، پذیرش کمتری داشته و فضا را ناخوشایندتر دریافت کرده‌اند. در رابطه با زمان زیسته نیز تمامی ادیان ارتباط کمی با گذشته خیابان دارند. نکته قابل توجه آنکه مسلمانان به عنوان فرهنگ غالب، احساس رضایت کمی از فضا داشته و همچنین حافظه تاریخی واضحی از فضا ندارند.

**واژگان کلیدی:** فضای شهری، فضای عمومی چندفرهنگی، فرهنگ، ارتباط بین فرهنگی، تجربه زیسته، ادیان.

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری نویسنده دوم و به راهنمایی نویسنده اول در سال 1394 در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین دفاع شده است.

<sup>1</sup> دانشیار شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.mohammadi@art.ac.ir

<sup>2</sup> کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

## 1- مقدمه

هر فرهنگ به عنوان مقوله‌ای پویا، دایما در ارتباط و تبادل با سایر فرهنگ‌هاست. بررسی مدل‌های ارتباط بین فرهنگی، نشان از جریان ارتباطات بین فرهنگ‌ها دارد. در این میان، ارتباطات بین فرهنگ‌ها می‌تواند به صورت کلان و یا خرد باشد. این ارتباط در سطوح کلان، در ارتباط با نگرش کلی گفتمان قالب هر سرزمین در مقابله با فرهنگ‌های سرزمین دیگر است. در سطوح خرد، ارتباط بین فرهنگی، در درون سرزمین شکل می‌گیرد. با این توضیح این نوشتار تأکید بر نوع دوم دارد. همچنین از آنجا که این پژوهش بر مقوله فضای عمومی تأکید دارد، موضوع ارتباطات بین فرهنگی در مقیاس فضای شهری مورد توجه قرار گرفته است. فضاهای شهری، به عنوان عرصه‌هایی عمومی که داستان زندگی جمعی در آنها گشوده می‌شود (Pakzad, 2010)، بستر تزاخم و ارتباط میان گروه‌های مختلف استفاده‌کننده، فارغ از جنسیت، سن، قومیت، فرهنگ و... هستند. بدین ترتیب چنین فضایی لازم است تا حضور و فعالیت آزادانه همه گروه‌ها را فراهم آورند. بر خلاف این اصل مهم، موضوع طرد شدگی در بستر فضای شهری در قالب مفاهیمی چون فضاهای جنسیتی، فضاهای قومیتی و... اتفاق افتاده است. تأکید این نوشتار بر موضوع طرد شدگی به واسطه مذهب و فرهنگ است. موضوع فضاهای چندفرهنگی و رویکرد چندفرهنگ‌گرایی در عصر حاضر در جهان و در برخی از شهرها و کشورهای مهاجرپذیر که پذیرای طیف متفاوتی از فرهنگ‌های مواجه هستند، بروز یافته است. هدف این نوشتار آن است تا با طرح موضوع فضاهای عمومی چندفرهنگی، و ارتباط آن به ادبیات نظری ارتباطات بین فرهنگی، به پاسخ این پرسش کلیدی دست یابد که یک فضای عمومی چندفرهنگی، چگونه می‌تواند برای کابرن فرهنگ‌های مختلف، فضایی مطلوب و پذیرنده‌ای باشد و در عین حال به تبادل و ارتباط بهینه آنها بیانجامد.

در این میان، خیابان سی تیر به عنوان مورد مطالعه پژوهش، خیابانی منحصر به فرد از حیث حضور ادیان است که واجد پتانسیل‌هایی برای تبدیل شدن به یک

فضای چندفرهنگی است. برخلاف آنکه در گذشته، پیروان ادیان مختلف، ارتباط و تعامل مناسبی در این بستر کالبدی داشته‌اند، اما در حال حاضر به دلیل تسلط فرهنگ غالب (ناشی از مذهب اسلام) و کم‌رنگ شدن فعالیت‌های سایر ادیان در این فضا، مفهوم فضای چندفرهنگی در این خیابان رنگ باخته است. بنابراین این پژوهش درصدد است با ارزیابی و بررسی تجربه زیسته ادیان مختلف در این فضا، به صورت تجربی به این امر دست‌یابد که چه عواملی سبب شده است تا پیروان ادیان مختلف در این فضا، احساس در برگیرندگی کمتری نسبت به فرهنگ غالب داشته باشند و یا باید چه عواملی را در نظر گرفت تا فضای شهری این خیابان به فضای مطلوبتری برای خرده فرهنگ‌ها تبدیل شود.

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع پژوهش از چند حیطة قابل بررسی است: بررسی پژوهش‌های مرتبط با فضاهای عمومی چندفرهنگی، بررسی مطالعات مرتبط با مقوله ارتباطات بین فرهنگی و پژوهش‌های مرتبط با تجربه زیسته.

ستا لاو و همکاران، در کتاب خود با عنوان «بازتعریف پارک‌ها: فضای عمومی و تنوع فرهنگی» در سال 2005، به بررسی ویژگی‌های فضاهای چندفرهنگی موفق پرداخته‌اند. گروه پی.پی.اس. در سال 2008، در یکی از پروژه‌های خود، خلق فضاهای چندفرهنگی را نشانه رفته و با بررسی اهمیت این فضاها در جوامع چندفرهنگی، انواع فضاهای شهری چندفرهنگی در شهرها و ویژگی‌های آنها را ارائه می‌کند. مدنی‌پور و همکاران در سال 2013 در کتاب فضای عمومی و چالش‌های دگرگونی شهری در اروپا، فصلی را به فضای چندفرهنگی در لندن اختصاص داده‌اند. گالاناکیس در مقاله خود در سال 2013، موضوع ارتباط بین فرهنگی در شهر تورنتو به‌عنوان مهمترین نمود جامعه چندفرهنگی در کانادا را طرح و به بررسی ابعاد فلسفی فضاهای چندفرهنگی پرداخته است. صراف در رساله دکتری خود در سال 2015، به فضا‌مندی چندفرهنگ-گرایی اشاره و با مطالعه ارتباط رویکرد «باهم بودن برخلاف تفاوت» در معماری و طراحی شهری، بیان



تغییر شهرها، به شهرهای چندفرهنگی در سرشت و عملکرد فضاهای عمومی خود را بازتاب می‌کند (Leasn, 2015). مهاجرت جهانی از پدیده‌های مهم و اثرگذار و مؤثر بر خلق ایده چندفرهنگ‌گرایی بوده است (Castles et al., 2014). موضوعات چندفرهنگ‌گرایی در ارتباط با نژاد، قومیت، جنسیت، طبقه، ملیت و معلولیت هستند (S. Sen, 2000). این مفهوم در ارتباط با به رسمیت شناختن، تنوع فرهنگی است (City of Toronto, 2011). چندفرهنگ‌گرایی در ارتباط با مفهوم آگاهی، احترام و دربرگیرنده تفاوت‌هاست (Galanakis, 2013) و در کنار اهمیتی که به ایجاد ارتباط بین گروه‌های مختلف برای فهم و احترام به یکدیگر قائل است (Galanakis, 2008; Galanakis, 2009)، به شدت در پی رقابت برای ایجاد دموکراسی و آزادی است. در رابطه با بروز چندفرهنگ‌گرایی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری، می‌توان سه مرحله مهم در تحول مفهوم تنوع فرهنگی را مشاهده نمود. چارچوب مفهومی در گام آغازین این تحول که از سال 1900 شروع و تا سال 1960 ادامه می‌یابد، برنامه‌ریزی جهانی یا سنتی است. در گام دوم که در بازه زمانی 1961-1980 است، چارچوب مفهومی مرتبط با مقوله تنوع فرهنگی، در ارتباط با در برگیری فرهنگی است و در همین راستا، انواع برنامه‌ریزی عدالت‌محور، کثرت‌گرا، رادیکال، فمینیستی و مانند آن بروز می‌نمایند. در گام آخر که از سال 1981 شروع شده، ایده چندفرهنگ‌گرایی بروز نموده و در این ارتباط برنامه‌ریزی کل‌نگر طرح شده است (Burayidi, 2000, 40). در ارتباط با طراحی شهرهای چندفرهنگی، همان‌طور که مدنی‌پور بیان می‌کند، طراحی شهر و فضای شهری دموکراتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، زیرا در چنین شهرهایی، شهروندان آینده خود را در کنار هم و فارغ از تفاوت‌های پیشینی شکل می‌دهند (2007, 145). این نوع از طراحی، مفهوم فضای شهری ایده‌آل را به صورتی طرح می‌کند که فراگیر و در دسترس عموم باشد (Mehta, 2013). در همین راستا مفاهیمی چون جوامع چندگانه<sup>5</sup> به مفهوم، جایی که طیفی از قلمروهای عمومی جدا و مجزا براساس تفاوت در ابعاد

می‌کند که چندفرهنگ‌گرایی دارای ابعاد فضایی است. لسان در سال 2015 در رساله دکتری خود در ارتباط با خیابان‌های چندفرهنگی، به بررسی چندین خیابان محلی تجاری در شهر چندفرهنگی در نیوزلند پرداخته است.

در رابطه با قلمرو مفهومی دوم، ارتباطات بین فرهنگی، می‌توان به مطالعات انجام شده در رشته زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و مطالعات ترجمه و مطالعات فرهنگی اشاره نمود. در این میان مهمترین نظریه‌پردازان مربوط به ارتباط بین فرهنگی مشتمل بر نظریه‌پردازان مدل مکتب مسکو تارتو، سنسون<sup>1</sup> (1998)، لوتمان و اسپنسکی<sup>2</sup> (1971)، توروپ<sup>3</sup> (2002) هستند. پژوهش‌هایی نیز توسط سجودی (2009) انجام شده است. آنچه نقطه تأکید این مطالعات است شیوه ارتباط بین - فرهنگی در مطالعات ترجمه و نشانه‌شناسی است. بنابراین نقطه تأکید این پژوهش‌ها نحوه ارتباط بین فرهنگ‌ها در روند ترجمه و مکانیسم‌های طرد و جذب در این فرآیند است. بررسی قلمرو مفهومی سوم نشان می‌دهد نظریه‌پردازانی چون «بولنائو»<sup>4</sup> (1961) در کتاب «تجربه زیسته»؛ مانن در سال 1997، «ابراهیمی دینانی، 2013»، در کتاب «فلسفه و ساحت هنر»، نوربرگ شولتز (2000)؛ سیمون (2018) در رابطه با تجربه زیسته، نظریه‌پردازی نموده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر از این رو است که بر آن است تا خوانشی از مدل ارتباطات بین فرهنگی (در مطالعات ترجمه) را در یک فضای شهری چندفرهنگی ارائه دهند. همچنین صرفاً به این موضوع نیز اکتفا نکرده و بر آنست تا با بهره‌گیری از تجربه زیسته کاربران در یک فضای شهری که از پتانسیل‌های بالقوه برای تبدیل شدن به یک فضای چندفرهنگی برخوردار است، استفاده نماید و دریابد چه عواملی می‌تواند بر دربرگیرندگی فضایی مردمان فرهنگ‌ها یا پردشدگی فضایی آنها در فضای شهری منجر شود.

## 1-1- مبانی نظری پژوهش

### 1-1-1- فضای عمومی چندفرهنگی

موضوع فضاهای عمومی چندفرهنگی در ارتباط با رویکرد چندفرهنگ‌گرایی بروز و نمود یافت. در واقع

جنسیتی، اجتماعی-اقتصادی، قومیت، در فضاهای عمومی با هم همپوشانی دارند، ظهور یافته‌اند (Iveson, 2010; Varna and Tisedell, 1998). مفهوم تفاوت و دموکراسی از مشخصه‌های اصلی چنین فضاهای عمومی است. برای مثال لفور (1990) در ارتباط با رویکرد بین فرهنگ‌گرایی و عمل روزانه از حق تفاوت و حق به شهر نام می‌برد. به این معنی که پذیرفتن تفاوت‌ها در سطوح مختلف در ارتباط بین فرهنگ‌ها، یک اصل است (Galanakis, 2013). به‌طور خلاصه، یک فضای عمومی چندفرهنگی موفق، فضایی است که در آن احساس راحتی گروه‌های مختلف با طراحی کالبدی خوب فضا، ترکیب شود تا فضایی ایجاد گردد که بتواند بسیاری از ترجیحات را پاسخ دهد. چنین فضایی، مکانی برای تعامل اجتماعی را فراهم و در عین حال فضاهای مشخصی را ایجاد می‌کند که در آن می‌توان بر فرهنگ‌های فردی تأکید کرد (PPS, 2008). برخی دیگر بر این باور هستند که موفقیت‌آمیزترین فضاهای عمومی چندفرهنگی لزوماً آنهایی نیستند که دارای جذابترین طراحی کالبدی و یا امکانات بیشتر هستند، در واقع این فضاها باید بستر دموکراتیکی برای حضور افراد مختلف فارغ از پیشینه فرهنگی آنها باشند (Low et al., 2005). بازارهای عمومی، زمین‌های بازی، خیابان‌ها و سواحل، مسلماً موفقترین نوع «مکان‌های چندفرهنگی» هستند زیرا می‌توانند تعاملی غیر کنترلی و ارگانیک را بین افراد، تقویت کنند که مکان‌سازان، جامعه‌شناسان، و نظریه‌پردازان فرهنگی، آنها را برای پیشرفت جامعه بسیار مهم می‌دانند (PPS, 2008). در میان تنوع فضاهای بیان شده، برخی بر این باورند که خیابان‌ها به دلیل ماهیت، فضایی هستند که به کاربران با پیش‌زمینه‌های متفاوت قومی و فرهنگی، فرصت تجربه تعامل خوبی را می‌دهند (Leasn, 2015). همچنین از میان دو رویکرد متفاوت که به فضاهای عمومی در جوامع چندفرهنگی وجود دارد، رویکردی که صرفاً به شناسایی تفاوت‌های فرهنگی بسنده می‌کند و در طراحی، تفاوت را لحاظ می‌کند، در مقابل رویکرد ارجحی که ادغام فرهنگی را می‌پذیرد و بنابراین

طراحی فراگیر را به منظور در برگیری همه فرهنگ‌ها را مد نظر قرار می‌دهد، رنگ می‌بازد (Leasn, 2015, 27).

### 1-1-2- بررسی الگوی ارتباط بین فرهنگی، به مثابه

#### الگویی برای بررسی فضای چندفرهنگی

واژه‌ی ارتباط<sup>6</sup> از ریشه لاتین آن به معنای «اشتراک»<sup>7</sup> گرفته شده است. این واژه در زبان فارسی به معنای «پیوند دادن و ربط دادن» است (Moein, 2008, 189). در تعریفی از ارتباط در فرآیند ادراک محیطی می‌توان آن را فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده دانست؛ مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام، وجود داشته باشد و یا ایجاد شود (Mohsenian Rad, 1990, 57). این تعریف به عناصر ارتباط (پیام، فرستنده و گیرنده) و فراگرد بودن ارتباط و معنا در ارتباطات توجه دارد. با توجه به تعریفی که از مفهوم ارتباط ارائه شد، می‌توان انواعی از ارتباطات را در محیط‌های شهری شناسایی نمود. برای نمونه در ارتباط انسان با محیط، نتیجه خود را به صورت رفتار نشان می‌دهد که انسان در محیط انجام می‌دهد (Rapoport, 2005). مثال دیگری از این دست، ارتباط اجتماعی است که فرستنده و گیرنده هر دو انسانی هستند و یا ارتباطات بین فرهنگی که در آنها بر خلاف اینکه ماهیت فرستنده و گیرنده با نوع قبلی یکی است، اما مقیاس، کلان و گسترده است که مقوله فرهنگ خودی و فرهنگ‌های دیگری را نشانه می‌رود. از مظاهر ارتباطات اجتماعی می‌توان به ارتباطات بین فردی اشاره کرد که یکی از انواع آن، ارتباط «من و تو» است. این نوع از ارتباط، نادرترین نوع ارتباط محسوب می‌شود (Beeman, 2006, 22). ارتباط بین فرهنگی، به ارتباط میان فرهنگ‌ها (در قالب فرهنگ غالب در مقابل فرهنگ خرد) می‌پردازد.

پیش از ورود به بستر و اجزا ارتباط بین فرهنگی لازم است تا انواع رویکردهای مطرح در بررسی فرهنگ‌ها بررسی شود. بررسی‌ها نشان از گذر از رویکردهای رقابت و تعامل فرهنگی به ارتباط بین فرهنگی دارد. در واقع سه رویکرد: رقابت فرهنگی، تعامل فرهنگی و ارتباط بین فرهنگی مطرح هستند. رویکرد رقابتی به



### 1-1-2-1-1- بسترهای بروز ارتباطات بین فرهنگی

از موارد حائز اهمیتی که باید به آن اشاره نمود، بسترهای بروز ارتباطات بین فرهنگی است. بدون شک فضا در مفهوم مقبول آن نه تنها ماهیت مادی داشته؛ بلکه واجد ابعاد اجتماعی-فرهنگی است (MadaniPour, 2000, 48). بنابراین ارتباطات بین فرهنگ‌ها در بستر فضا که در ارتباط دیالکتیکی با زمان است (فضا-زمان) محقق می‌شود. اما نکته آنجاست که این ارتباط می‌تواند در بستر کلان و خرد محقق شود:

- کلان: در یک معنا و مفهوم، ارتباطات بین فرهنگی می‌تواند در قالب فرهنگ مردمان یک سرزمین و سرزمین دیگر معنا شود (Spence-Oatey and Frankiln, 2009).

- خرد: در مفهوم دیگر می‌تواند در درون مرزهای سرزمینی و در قالب خرده فرهنگ‌ها تجلی یابد (Frame, 2014). به عبارتی تحت تأثیر تفاوت‌های نژادی، قومیتی، گویش، مذهب و... بنابراین عموم خرده فرهنگ یا خرده فرهنگ‌هایی در مقابل فرهنگ غالب (خود) شکل می‌گیرند که با توجه به سیاست‌های کلی فرهنگ غالب، رویکردی دوگانه نسبت به آنها اخذ می‌گردد (Sojoodi, 2009). به این معنا که یا خرده فرهنگ‌ها به حاشیه رانده می‌شوند و یا در قالب رویکرد تنوع فرهنگی، پذیرفته می‌شوند.

فضاهای شهری چندفرهنگی، ملموسترین و خردترین سطحی است که در آن می‌توان ارتباطات بین فرهنگی و نگرش قدرت سیاسی به خرده فرهنگ‌ها را مشاهده نمود. در این مقیاس است که اگر فرهنگ‌های دیگر یا خرده فرهنگ‌ها مورد پذیرش واقع شوند، می‌توان به مفهوم عرصه عمومی در مفهوم اصیل آن که مورد توجه هابرماس و آرنست است، دست یافت (Nozari, 2002; Berdsha, 2006).

### 1-1-2-2-1- عناصر و فرآیند ارتباطات بین فرهنگی

آنچه در این نوشتار به عنوان ارتباطات بین فرهنگی مورد توجه است، فرآیند مبادله اندیشه‌ها و معانی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف و بین آن دسته از مردمی است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های

فرهنگ، در واژه شناسی اسپنسر و فرانکلین (2009, 4) طرح شده و پژوهشی است که در آن فرهنگ‌ها، به عنوان سیستم‌ها (سطح مطالعه کلان) مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس مقایسه آنها به منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها انجام می‌شود (Spence-Oatey and Frankiln, 2009, 4). این رویکرد در پی آن است که فرهنگ‌ها را به عنوان سیستمی از نشانه‌ها و معانی در نظر بگیرد و تفاوت آنها را از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر مورد بررسی قرار دهد (Smith and Bond, 1998). در مقابل، رویکرد تعامل فرهنگی، رویکردی است که بر سطوح خرد تعاملات تکیه داشته و به مطالعه افراد فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد. در این رویکرد، تفاوت‌ها در هنجارهای اجتماعی به عنوان نقطه شروع پژوهش، می‌تواند به توضیح رفتار ارتباط در تعامل کمک کند. در واقع، تمرکز این رویکرد، بر آن است تا به مطالعه روش‌هایی بپردازد که در آن افراد تلاش می‌کنند تا رفتار دیگران را برخلاف تفاوت فرهنگی‌شان دریابند (Frame, 2017). برخلاف مقبولیت دو رویکرد مطرح شده، گروه دیگری از محققان بر اهمیت رویکرد ارتباط بین فرهنگی تأکید دارند که ارتباطات بین فردی را بین غریبه‌ها مورد توجه قرار می‌دهند (Gudykunst and Kim, 1992). این رویکرد بر فرآیند تعامل بیش از تفاوت‌های فرهنگی تکیه دارد (Frame, 2017). برای مثال برخی ذیل این رویکرد، به بررسی سطوح اضطراب و عدم قطعیت در برقراری ارتباط پرداخته‌اند. در پارادایم زبان‌شناسی، این رویکرد نه تنها تفاوت‌های فرهنگی را بررسی می‌کند، بلکه روش‌هایی که افراد ملیت‌ها یا فرهنگ‌های مختلف تلاش می‌کنند تا با تفاوت‌های فرهنگی مقابله کنند را نیز بررسی می‌نماید. این رویکرد برای مطالعه استراتژی هویتی استفاده شده توسط مهاجران نیز کاربرد دارد (Camilleri et al., 1990 cited by Frame, 2017).

از آنجاکه در این پژوهش، ارتباط بین پیروان ادیان مختلف در قالب فرآیند تعامل مورد توجه قرار می‌دهد و هدف بررسی تفاوت‌های فرهنگی نیست، رویکرد ارتباط بین فرهنگی استفاده می‌شود.

نمادینشان به اندازه کافی مجزاست. در این گونه از ارتباط، اساسا بین دو طرف ارتباط، هیچ گونه زنجیره فرهنگی وجود نداشته و یا این که طرفین، دارای پیوندهای فرهنگی ضعیفی هستند (Samavar et al., 2000, 61). عناصر ارتباطات بین فرهنگی را می توان در موارد زیر دسته بندی نمود.

- فرهنگ خودی: این مفهوم که در مبانی نظری ارتباط بین فرهنگی با واژه فرهنگ در مقابل طبیعت تبیین می شود، تمامی ابعاد و عناصر فرهنگ خودی را در بر می گیرد؛ که برای مردمان همان فرهنگ، قابل درک است و مردمان سایر فرهنگها، هنگامی که در دایره این فرهنگ قرار می گیرند، تنها خوانش هایی از آن دارند. جایگاه فرهنگ خودی و فرهنگ دیگری پیوسته در حال تغییر است، به این معنی که مردم هر فرهنگی، فرهنگ خود را به مثابه فرهنگ خودی یا برتر درک کرده و هر چه ورای فرهنگ آنها قرار می گیرد، به فرهنگ بیگانه، فرهنگ دیگری، طبیعت یا وحشی تلقی می کنند (Sojoodi, 2009). بنابراین با توجه به مبانی ارتباطات، فرهنگ خودی می تواند فرستنده یا گیرنده باشد.

- فرهنگ(های) دیگری: هر فرهنگ، به عنوان قلمرویی مفهومی که واجد قلمرو فضایی نیز هست، دارای مرزهای انعطاف پذیری است. به عبارتی لایه ای که مرز فرهنگ را شکل می دهد، انعطاف پذیر است و امکان انتقال اطلاعات از درون به بیرون و بالعکس در آن وجود دارد. اینکه میزان اطلاعات تبدالی به چه میزان است، متأثر از ماهیت وجود فرهنگ خودی و قدرت فرهنگ، مقبولیت آن بین مردمان و نگاه و رویکرد سیاست گذاران است. بنابراین در مقابل فرهنگ خودی، فرهنگ های دیگری وجود دارند که با توجه به زمینه های تأثیرگذار، یک یا چند فرهنگ، تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری بیشتری بر فرهنگ خودی دارند و در ارتباط قویتری با فرهنگ خودی قرار می گیرند (Sojoodi, 2009)؛ اینکه، فرهنگ چه مردمانی در بیشترین تبادلات بین فرهنگی با فرهنگ خودی قرار گیرد، در دوره های مختلف زمانی (در زمانی) تحت تأثیر عوامل متعددی است و تغییر می کند. بر این اساس

رکن دیگر ارتباط بین فرهنگی، فرهنگ های بیگانه یا غیر خودی هستند که در ارتباط با فرهنگ اصلی یا خودی قرار می گیرند (Sojoodi, 2011) و می تواند نقش فرستنده یا گیرنده را داشته باشد.

- پیام: جزء سوم این ارتباط، پیامها هستند که با توجه به ماهیت ارتباطات بین فرهنگی، مشتمل بر انواع زیر هستند:

- پیام های کلامی یا زبانی: در فرآیند برقراری ارتباط براساس این نوع از پیام، چگونگی فکر کردن و حرف زدن با یکدیگر، عنصر اصلی است. بدون شک در صورتی که زبان مشترک وجود داشته باشد، سهولت در برقراری ارتباطات محقق می شود (Samavar et al., 2000, 99).
  - پیام های غیر کلامی: در فرآیند برقراری ارتباط با این نوع پیامها، استفاده از حرکات مهم است. البته معنای این حرکات از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می کند (Samavar et al., 2000, 99, 105; Rapoport, 2005). اگر امکان ارتباط کلامی و زبانی ممکن نباشد، ارتباط و پیام های بین فرهنگها از طریق ارتباطات غیر کلامی محقق می شود. در این میان نشانه های غیر زبانی به شخص کمک می کنند، تا زمینه ایجاد ارتباط، فراهم شود.
  - پیام های پیراکلامی: این پیامها، در حیطه ارتباطات غیر کلامی هستند. مقصود زمان بندی، آهنگ، بلندی و سرعت گفتار است که اگرچه کلامی نیستند، اما پیوند جدایی ناپذیری با محتوای پیام دارند (Salibi, 2011, 117). هر چند شاید به نظر رسد که این امر در ارتباط بسیار نزدیکی با نشانه های زبانی قرار دارد، لیکن در ارتباطات غیر کلامی نیز رفتار می تواند واجد شدت، تداوم و... باشد.
- فرآیند ارتباطات بین فرهنگی، تحت تأثیر چهار رویکرد کلی مطرح در ارتباطات بین فرهنگی و در مکانسیم طرد و جذب قرار گیرد و عبارت است از: رویکرد خود و نه دیگری؛ رویکرد نه خود، بلکه دیگری، رویکرد هم خود و هم دیگری و رویکرد نه خود و نه دیگری (Sojoodi, 2011, 153-157). به منظور مطالعه این امر که در جریان ارتباط بین فرهنگی کدام رویه اتفاق می-





محیط زندگی آنها دارد (Taheri, 2010, 80). به باور مانن تجربه زیسته چهار وجه اصلی دارد که با یکدیگر در ارتباطند و کلیتی درهم تنیده را می‌سازند. این اجزا عبارتند از: «بدن زیسته» یا «پیکره زیسته»، «زمان زیسته»، «روابط انسانی زیسته» و «فضای زیسته»<sup>9</sup> (Manen, 1997).

- بدن زیسته، دلالت بر وجه فیزیکی حیات انسان دارد. زیرا این کالبد زمینی، جایگاهی برای تجربه ما از جهان است. آنچه دیده می‌شود، شنیده می‌شود، قابل لمس است، به مشام می‌رسد و چشیده می‌شود، محصول درک اندام‌های حسی از جهانی است که در آن زندگی می‌شود. در نتیجه تجربه زیسته، به نحو قابل توجهی متأثر از توان و ناتوانی بدن زیسته است.

- مؤلفه دوم که زمان زیسته است، مبتنی بر تجربه ذهنی از زمان است، که با زمان ساعتی متفاوت است.

- روابط انسانی زیسته، دلالت بر همه رابطه‌ها و پیوندهایی است که هر شخص در طول زندگی با دیگران داشته و زمان و مکانی را با آنان شریک بوده است. همه کسانی که در سال‌های زندگی در قالب نقشی معین بر اندیشه و احساس شخص تأثیر گذاشته و از شخص تأثیر پذیرفتند: مادر، پدر، خواهر، برادر، همکلاسی، دوست، همکار، همشهری و... . تمام تعامل‌های روزمره در نهادهای اجتماعی این وجه از تجربه زیسته را می‌سازند.

- منظور از فضا یا مکان زیسته نیز موقعیتی است که تجربه‌های زیسته شخص در آنجا شکل می‌گیرد، اما متفاوت با معنای جغرافیایی مکان است. زیرا آنچه این وجه را می‌سازد تأثیر متقابلی است که یک مکان مشخص بر احساس شخص از بودن در آنجا می‌گذارد و دوم تأثیر احساس شخص از بودن در آنجاست که به آن مکان، معنا می‌بخشد. فضای زیسته، بستری مکانی برای بروز تجربه زیسته مردم است و در ارتباط با زندگی روزمره است.

#### 1-1-4- تدوین چارچوب مفهومی

به منظور دست‌یابی به مدل فضای عمومی چندفرهنگی، با استفاده از مدل ارتباط بین فرهنگی،

افتد، فارغ از بررسی مسائلی که منجر به انتخاب یکی از رویه‌های ممکن می‌شود؛ نکته حائز اهمیت این است که چگونه می‌توان، روایتی که به بهترین شکل، نشان‌دهنده رویه منتخب است را شناسایی نمود؟ در یک پاسخ ابتدایی؛ به نظر می‌رسد، راه حل مطلوب فهم مردمان فرهنگ خودی و فرهنگ دیگری باشد. راهبردی که این پژوهش از آن بهره می‌گیرد، بررسی تجارب زیسته مردمان هر فرهنگ است. حال پرسش اساسی دیگر این است که چگونه و مبتنی بر چه روشی می‌توان تجربه زیسته و فضای زیست شده فرهنگ‌های مختلف را فهم نمود؟ و از این رهگذر دریافت که در یک فضای چندفرهنگی، به استناد روایت‌های خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ غالب، چه روندی پیش گرفته شده است و تأثیر آن بر فضای زیسته چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در ادامه تجربه زیسته و اجزای آن تشریح می‌شوند.

#### 1-1-3- تجربه زیسته، رویکردی در بررسی ارتباطات در فضای عمومی چندفرهنگی

در بررسی مفهوم تجربه زیسته، مفهوم جهان زندگی نیز قابل بررسی است. برخی این دو واژه را یکسان می‌دانند. وان مانن در آثار خود این دو مفهوم را متفاوت تعریف نموده و مفهوم «دنیای زندگی»<sup>8</sup> را به معنای «دنیایی از تجربه‌های زیسته» نام می‌نهد- دنیایی که زندگی روزمره افراد را می‌سازد. زندگی طبیعی و معمولی که اشخاص را احاطه کرده و بی‌آنکه شخص بخواهد آن را مفهوم‌سازی و مفهوم‌پردازی کند، در ارتباطی تنگاتنگ با آن است (Manen, 1997). تجربه یا جهان زندگی در واقع همان تجربه‌ای است که بدون تفکر ارادی و بدون نیاز به طبقه‌بندی کردن یا مفهوم‌سازی، به دست می‌آید (Chenari, 2007). به عبارتی تجربه‌های زیسته، حاصل قرار گرفتن انسان در مدار ارتباط مکانی است که در آن زیست می‌کنند. مکانی که خصیصه‌های انسانی را به‌منصه بروز رسانده و به او امکان زندگی در مفهوم هستی‌شناسانه‌اش را می‌دهد. دست‌یابی به این تجارب در جهت فهم انسان از محیط زندگی و معانی موجود در آن است که خود نسبتی خاص با کیفیت‌های

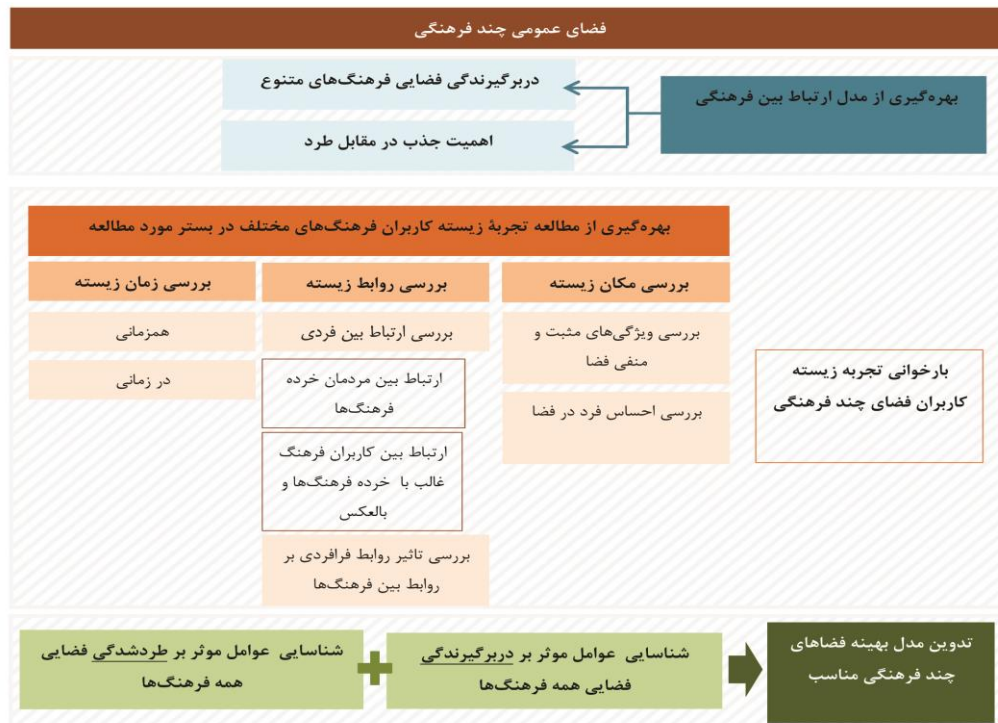
لازم است تا در ابتدا، در فضای مورد بررسی، فرهنگ غالب و فرهنگ‌های دیگر یا خرده فرهنگ‌ها را شناسایی نمود. با توجه به اینکه یک فضای عمومی چندفرهنگی موفق، باید پذیرای همه گروه‌ها باشد، بنابراین، الگوی جذب و نه طرد در مکانسیم‌های ارتباطات بین فرهنگی مورد پذیرش است. برای شناسایی عواملی که بر پذیرفته شدن یا طرد شدن کاربران یک فرهنگ خاص در فرهنگ غالب تأثیر دارند، بررسی تجربه زیسته پیشنهاد شده است. ارزیابی نظرات کاربران خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ غالب مشخص می‌نماید، تحت تأثیر چه شرایطی کاربران در فضا و زمان پذیرفته می‌شوند و چه احساساتی را تجربه می‌نمایند. برای مطالعه تجربه زیسته، مطالعه ابعاد زمان زیسته در قالب فرآیندهای هم‌زمانی و در زمانی لازم است. فرآیند هم‌زمانی تأکید بر زمان حاضر و فرآیند در زمانی در ارتباط با گذشته و خاطره جمعی کاربران است. در بررسی روابط زیسته روابط بین فردی و فرافردی بررسی می‌شود.

رابطه بین فردی، ارتباط میان کاربران فرهنگ‌های مختلف را بررسی می‌کند و روابط فرافردی به بررسی تأثیر عوامل غیر فردی چون قدرت سیاسی بر این روابط تأکید دارد. همچنین ابعاد مکان زیسته مشتمل بر احساس کاربر در فضا و عوامل مثبت و منفی فضا برای حضور را در برمی‌گیرد. از تحلیل و آنالیز این ابعاد، عوامل مؤثر بر طردشدگی از فضا یا دربرگیرندگی فضایی استخراج و مدل فضای عمومی چندفرهنگی بهینه می‌تواند تدوین شود. در شکل 1 فرآیند دستیابی به مدل فضای عمومی چندفرهنگی ارائه شده است.

## 2- روش تحقیق

### 2-1- انتخاب الگوواره و روش پژوهش

در این پژوهش، پدیدارشناسی به عنوان الگوواره مطلوب (در مقابل الگوواره اثبات‌گرایی) به منظور بررسی تجربه زیسته انتخاب شد. پدیدارشناسی، به جهان، آن جهان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد،



شکل 1- فرآیند دستیابی به مدل بهینه فضای عمومی چندفرهنگی  
 Fig. 1- The process of achieving the optimal model of a multicultural public space





می‌فهمد. بنابراین، با نوعی آگاهی بی‌واسطه همراه است. در رابطه با حجم نمونه موارد متعددی ذکر شده است. برای نمونه برخی معتقد هستند با توجه به عمق مصاحبه‌های تحقیقی پدیدارشناسی و فرآیند وسیع تحلیلی، حجم نمونه کوچک و کمتر از 10 نفر کفایت می‌کند (Mordi Pardanjan and Sadeghi, 2014). برخی دیگر معتقد هستند محققان تا زمانی که به حدی از اشباع در پاسخ‌ها نرسند، باید به جمع‌آوری داده‌ها ادامه دهند (Holloway and Wheeler, 2002). (cited by Emami Sigaroodi et al., 2012).

الف) جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: جامعه آماری این پژوهش را گروه سنی بزرگسال و از هر دو جنس مرد و زن بوده و تمام ادیان توحیدی را نیز شامل می‌شود. دلیل انتخاب جامعه آماری معرفی شده، تجربه زیسته مناسبی است که آنها در نسبت با این تحقیق دارند. یکی از روش‌های نمونه‌گیری در پژوهش کیفی، روش نمونه‌گیری متوالی است که در این روش، حجم نمونه آنقدر افزایش می‌یابد که دیگر کافی باشد. از میان انواع نمونه‌گیری نظری، موارد تأیید با ردکننده، فرصت‌طلبانه و گلوله‌برفی (Ranjbar et al., 2012, 242)، این پژوهش از روش گلوله‌برفی استفاده کرده است. این نوع، که روشی غیر احتمالی است، به این دلیل مناسب تشخیص داده شد که پیروان برخی از ادیان به راحتی قابل شناسایی و حاضر به همکاری نبودند. در ادامه ویژگی‌های مصاحبه شونده‌گان بوده به صورت کمی و کیفی، ارائه شده است. تعداد افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند 43 نفر بوده که روزانه به طور متوسط، 8 نفر را شامل می‌شده است.

ب) روش جمع‌آوری داده در مورد مطالعه: از میان تکنیک‌های مطرح شده در بالا، به منظور بررسی تجربه زیسته پیروان ادیان مختلف، از روش مصاحبه استفاده شده است. از آنجا که هدفمندی و ساختارمندی مصاحبه، نتایج دقیق‌تری و قابل مقایسه‌تری را فراهم می‌کند؛ بنابراین از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره برده شده است.

توجه دارد (Valle et al., 1989). پاتون (1990)، در رابطه با دیدگاه پدیدارشناختی بیان می‌کند در واقع مسأله اساسی در پدیدارشناسی این است که: مردم چه چیزی را تجربه می‌کنند؟ و چگونه آن را تجربه می‌کنند؟ (Mordi Pardanjan and Sadeghi, 2014). از میان انواع رویکردهای پدیدارشناسانه<sup>10</sup> و روش‌های سه‌گانه منتج از آن که مشتمل بر پدیدارشناسی دست اول (دیدگاه هوسرل) پدیدارشناسی وجودی و پدیدارشناسی هرمونتیک (هایدگری) هستند؛ این پژوهش بر پدیدارشناسی وجودی استوار است.

در واقع پدیدارشناسی وجودی با رویکردی سرچشمه-شناسانه در پی دستیابی به بنیاد انسان و جهان برآمده تا بتواند آن را به عنوان «پیش‌فهمی» در جهت فهم مسائل موجود، به کار گیرد. این رویکرد در ذات خود بر توصیف بنیان نهاده شده و هدف آن تبیین است. طرفداران این دیدگاه، بر پایداری و برتری تجربه ذهنی از دنیای واقعی، تأکید می‌کنند (Groat and Wang, 2013, 185). بنابراین به منظور بررسی تجارب زیسته مردمان در فضای چندفرهنگی از روش پدیدارشناختی وجودی بهره برده خواهد شد و نقاط اشتراک و تفرق تجارب گروه‌های مختلف درگیر با فضا، بررسی خواهد شد. این امر به نگارندگان کمک می‌کند، دریابند، چه رویکردی در فضای چندفرهنگی مورد مطالعه وجود دارد و بر رفتار و تجربه استفاده کنندگان فرهنگ‌های مختلف سایه افکننده است.

## 2-2- روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

مصاحبه، بیان روایت از طریق مصاحبه، دفاتر خاطرات روزانه، مشاهده مشارکتی و گزارش‌های شخصی از جمله روش‌های دستیابی به تجربه زیسته استفاده-کنندگان هستند (Mordi Pardanjan and Sadeghi, 2014). جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل استفاده-کنندگانی است که تجربه زیسته یا حیات روزمره خود را در فضای مورد مطالعه می‌گذرانند. به کمک مصاحبه و مشاهده می‌توان به قلمروی تجربه زیسته<sup>11</sup> جامعه پژوهش نزدیک شد. تجربه زیسته درکی مستقیم و بی‌واسطه است که فرد در زمینه یا موقعیتی معین آن را

جدول 1 - ویژگی‌های کیفی مصاحبه شوندگان  
Tab. 1- Qualitative Characteristics of Interviewees

ویژگی کیفی	توضیحات
دین	- تعداد مصاحبه شوندگان مسلمان: 14 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان مسیحی: 11 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان زرتشتی: 10 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان یهودی: 8 مورد
جنسی / فردی و جمعی	- تعداد مصاحبه شوندگان مرد در شکل انفرادی: 18 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان زن در شکل انفرادی: 13 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان به شکل خانوار (زن و مرد): 12 مورد
سنی	- تعداد مصاحبه شوندگان در گروه سنی جوانان: 6 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان در گروه سنی بزرگسالان: 26 مورد / تعداد مصاحبه شوندگان در گروه سنی سالخورده‌گان: 11 مورد

اینکه هدف، مقایسه تجربه زیسته ادیان مختلف است، کدها به صورت مقایسه‌ای و به صورت کمی تحلیل شده‌اند.

ه) اعتبارسنجی: برای بررسی تعیین اعتبار داده‌ها، از روش اعتبار محتوا که خود مشتمل بر اعتبار صوری و اعتبار منطقی (نمونه‌گیری) می‌باشد، استفاده شده است. اعتبار صوری که اعتبار روش و وسیله اندازه‌گیری را می‌سنجد ( Ghazi Tabatabaei, 1995, 13-14; Azkia and Darban Astaneh, 2003, 501)، با استدلال‌ات آورده شده از روش‌های بررسی تجربه زیسته که پیش از این طرح شد، مناسب تشخیص داده شد. اعتبار منطقی که در ارتباط با نمونه‌گیری است، این موضوع را می‌سنجد که آیا شرایط جامعه یا افراد به - طور کافی نمونه‌گیری شده است ( Ghazi Tabatabaei, 1995, 14; Azkia and Darban Astaneh, 2003, 509). به این منظور، نگارندگان تلاش کرده‌اند تا با انتخاب ابزار درست و همچنین انتخاب روش صحیح نمونه‌گیری، زمینه انتقال‌پذیری یافته‌ها، تعمیم طبیعت‌گرای یافته‌ها را فراهم آورند.

### 3-2- بستر مورد مطالعه - خیابان سی تیر

این خیابان که به محور ادیان مشهور است و محلی بروز وقایع مهمی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و هنری ایران است، به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است. شکل‌گیری محور سی تیر، به اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار باز می‌گردد. اما اصطلاح سی تیر در فرهنگ سیاسی اخیر ایران به وقایعی اشاره دارد که در تیر 1331 در زمان نخست وزیر دکتور محمد مصدق در سراسر ایران رخ داد و نام خیابان از آن گرفته شده است. «قدیمی‌های تهران این خیابان را محصول مشروطه می‌دانند. چراکه این خیابان به دنبال توسعه ارگ تهران حدود سال‌های 1285 خورشیدی در شمال خیابان باب همایون، از خیابان خیام تا باغ سفارت روسیه که به پارک اتابک معروف بود، کشیده شد (Ebrahimzadeh, 2011, 70)». این محدوده، بخشی از ساختار تاریخی شهر تهران است. زمانی، این خیابان یکی از محورهای مهم شهر محسوب می‌شد. این محور که در آن مظاهر هر چهار دین توحیدی وجود دارد،

به این منظور مبتنی بر ابعاد فضای زیسته، چند پرسش‌های کلی به شرح مقابل مطرح شده است: 1- پرسش‌های مطرح در باب روابط زیسته: (چه عواملی، برگزاری رفتار ادیان مختلف و پیروان دین شما را در این خیابان تحت تأثیر قرار می‌دهد؟/ ارتباط بین ادیان در این خیابان چگونه است؟) / 2- پرسش‌های مطرح در باب مکان زیسته: (از بودن در این خیابان چه احساسی دارید؟/ ویژگی‌های مثبت و منفی این خیابان را بیان نمایید؟) / 3- پرسش‌های مطرح در باب زمان زیسته: (به چه میزان در فضا حضور می‌یابید؟/ در رابطه با تاریخ خیابان چه می‌دانید؟)

ج) زمان انجام پژوهش: زمان صرف شده برای پژوهش‌های میدانی (مصاحبه)، به مدت پنج روز بوده است و تاریخ انجام آن به تاریخ 18-14 دی ماه سال 1393 برمی‌گردد. ساعات انجام مصاحبه‌ها در صبح بین ساعت 9 تا 12 و همچنین از بازه 18 تا 21 (عصر تا اوایل شب) انجام شده است. متوسط زمان مصاحبه‌ها، 25 دقیقه بوده که در دامنه نوسان 15-40 دقیقه قرار می‌گیرند.

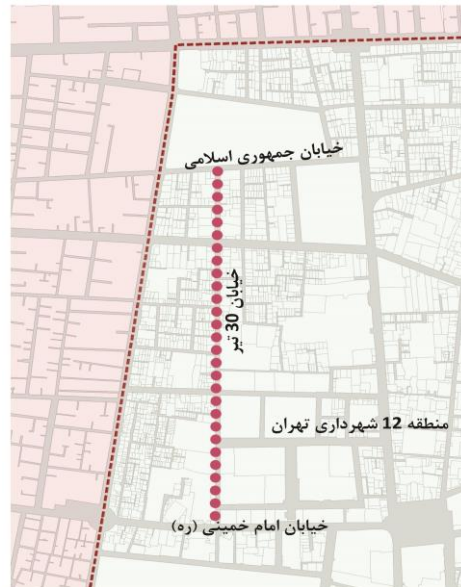
د) روش تحلیل داده‌ها: روش تحلیل، مبتنی بر روشی کیفی-کمی است. از آنجاکه پاسخ‌ها به صورت تشریحی هستند، در گام اول یادداشت‌برداری شده و با تحلیل و تفسیر متن، کدگذاری شده‌اند. همچنین با توجه به

### 3- نتایج و بحث

#### 3-1- ساختار دست‌یابی به واحدهای کدگذاری

داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها، بر محتواهایی دلالت دارند که نسبت به تجارب زیسته فضا، توسط مخاطبین در مصاحبه‌ها بیان شده است. در اینجا بر پایه واحد تحلیل (تجربه زیسته فضا)، واحدهای کدگذاری شناسایی گردید. این واحدها در جنبه‌هایی از زمینه یا محتوایشان با یک‌دیگر، ارتباط دارند. در اینجا واحدهای معنایی براساس ابعاد سازنده تجربه زیسته، کدگذاری شده‌اند. پس از بازنویسی مصاحبه‌های انجام شده در هر پرسش، در ابتدا گزاره‌ها استخراج شدند و در دو دسته گزاره‌های مثبت و منفی در قالب جدولی تنظیم شدند. معنابخشی به این داده‌ها (گزاره‌ها) و یافتن پیوندی منطقی بین آنها، نیازمند بهره‌گیری از یک ساختار مناسب است که منطقی محتوایی را فراهم می‌کند. این منطق محتوایی، بر اساس چارچوب‌های نظری و همچنین بر پایه برداشت میدانی، به‌دست آمده و داده‌ها را با ارجاع به آنها تفسیر شده‌اند.

بیشتر به مکانی جهت گذر اختصاص دارد و یا مقصدی برای خرده فرهنگ‌هایی است که زمانی در این خیابان زندگی اجتماعی خویش را تجربه می‌کردند. شکل 2 موقعیت خیابان را در بستر مطالعاتی‌اش نشان می‌دهد.



شکل 2- موقعیت خیابان سی تیر

Fig. 2- Location of 30 Tir Street

جدول 2- بازشناسی مفاهیم اشاره شده در مصاحبه‌ها و ارائه واحدهای معنایی در قالب ابعاد فضای زیسته

Tab. 2- Recognition of concepts referred to in interviews and presenting the formulated meaning in the format of lived space dimensions

گزاره‌های منفی	گزاره‌های مثبت	دانش‌واژه
مهاجرت ادیان/ نبود مظاهر فرهنگی ادیان در فضا	حضور ادیان در کنار هم/ احترام به ادیان/ دیدگاه مثبت به برگزاری مراسم ادیان مختلف/ حساس بودن به فعالیت مذهبی	احترام/ پذیرش
نظارت دولت بر مردم/ برخورد با یهودیان/ وجود گشت ارشاد/ دست‌گیری فال‌گیران/ وجود مکان‌های سیاسی/ نمود کم فعالیت مذهبی ادیان/ دیده شدن و قضاوت شدن توسط سایر ادیان/	آزادی بیان/ برگزاری اعیاد/ نبود پلیس	آزادی
عدم احساس راحتی در برقراری ارتباط با سایر ادیان/ تشابه فرهنگی عامل مهمی در برقراری ارتباط/ یهودی بودن و در حاشیه بودن	حساس بودن به فعالیت مذهبی	ارتباط
خانه‌های خالی و متروکه/ نبود پلیس	پاکیزگی/ گرفتن حس آرامش از فضا/ احساس امنیت/ سنگفرش کردن مسیر و کاهش تصادفات	خوشایندی
تخریب برخی از بناها/ وجود ساختمان‌های متروکه/ عدم توجه به بافت محدوده/ از بین رفتن اصالت	وجود ساختمان‌های زیبا/ وجود بناهای تاریخی	زیبایی
نبود مغازه‌های یهودی/ برگزاری محدود مراسم/ از بین رفتن اصالت	وجود مغازه‌های مسیحی/ مکان‌های مذهبی/ وجود ساختمان‌های مذهبی/ برگزاری اعیاد/ اصالت و هویت خیابان	تعلق
عدم اجازه فعالیت برخی از کلیساها/ برگزاری مراسم به صورت محدود/ نبود نمود فعالیت مذهبی ادیان در فضا	سرزندگی خیابان/ برگزاری اعیاد/ وجود ساختمان‌های مذهبی	رویدادمداری
تخریب بناهای تاریخی/ عدم توجه بافت تاریخی/ تخریب اصالت عبور/ گذر	وجود بناهای تاریخی/ وجود سفارت خانه‌ها/ شهرت جهانی/ شکوه/ وجود فضاهایی یا شاخص‌های مذهبی ادیان	هویت
	حضور روزانه/ ماندن در فضا	ماندگاری
تخریب هویت و اصالت/ عدم توجه به بافت تاریخی	اصالت/ قدمت/ وجود بافت تاریخی/ وقایع تاریخی نامگذاری	تاریخمندی

ارتباط زیسته

مکان زیسته

زمان زیسته

در اینجا گزاره‌ها دسته‌بندی و با توجه به محتوای دسته‌بندی‌ها، دانش‌واژه مرتبط شناسایی شد.

### 2-3- ساختار تحلیل داده‌ها

در ادامه بر اساس دفعات تکرار هر یک از موارد توسط پیروان ادیان، جداول تحلیلی در ارتباط با ابعاد فضای زیسته ارائه شد. در این جداول چند موضوع کلی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجاکه دین اسلام، به عنوان فرهنگ غالب مورد توجه است، نتایج به دست آمده از این بخش به صورت مقایسه‌ای با خرده فرهنگ‌ها، یعنی سایر ادیان مورد بررسی قرار گرفت. بررسی مقایسه‌ای بین خرده فرهنگ‌ها، با هم نیز انجام پذیرفت. در ادامه گزاره‌های منطقی منتج از نتایج به دست آمده، ارائه گردید. همچنین تقابل‌های مرتبط با خود/دیگری شناسایی شدند. در ابتدا موارد مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان از خلال بررسی اولیه مصاحبه‌ها، و براساس ابعاد فضای زیسته ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که موارد مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان که

در پاسخ به پرسش‌ها بیان شده است، بعضاً جابه‌جا شده و در دانش‌واژه مربوطه نوشته شده است. در ادامه به تفصیل و به صورت مقایسه‌ای بین فرهنگ غالب و سایر فرهنگ‌ها، دانش‌واژه‌های شناسایی شده در ابعاد تجربه زیسته، مورد بررسی قرار می‌گیرد. روند تحلیل به صورت کلی مبتنی بر دو منطق است: بررسی ابعاد تجربه زیسته به صورت مجزا؛ و بررسی بر همکنش ابعاد تجربه زیسته بر هم.

### 1-2-3- بررسی روابط زیسته ادیان در خیابان سی تیر

در جدول پیش رو گزاره‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، براساس دانش‌واژه‌ها (مفاهیم فرمول‌بندی شده) و به تفکیک فرهنگ غالب و خرده فرهنگ‌ها ارائه شده است. در این جدول، به تفصیل موارد بررسی شده و نتایج به دست آمده از تحلیل کیفی داده‌ها ارائه شده است. لازم به ذکر است که رنگ صورتی نشان‌دهنده کمترین میزان پذیرش و رنگ آبی، نشان‌دهنده بیشترین میزان پذیرش در هر ردیف در بین خرده فرهنگ‌هاست.

جدول 3- بررسی مقایسه‌ای ابعاد روابط زیسته ادیان و بازشناسی انواع تقابل‌های دوگانه فرهنگ خودی و دیگری  
Tab. 3- Comparative evaluation of the dimensions of the lived relationships between religions and recognition of binary opposition types of the self and other culture

دانش‌واژه	گویه‌ها	نوع ارتباط	خود فرهنگی		دیگری فرهنگی	
			مسلمانان	مسیحیان	یهودیان	زرتشتیان
احترام	پذیرش برگزاری مراسم سایر ادیان	روابط بین فردی	86%	91%	87.5%	60%
			پذیرش	پذیرش	پذیرش نسبی	ارتباط/عدم ارتباط
احترام/ارتباط	حساس بودن به فعالیت مذهبی ادیان	روابط بین فردی	50%	63.5%	62.5%	60%
			پذیرش نسبی	پذیرش نسبی	ارتباط/عدم ارتباط	ارتباط
احترام	ضرورت وجود مظاهر فرهنگی برای حضور در فضا	روابط بین فردی	86%	91%	87.5%	90%
			مظاهر فرهنگی	مظاهر فرهنگی	پذیرش	پذیرش/عدم پذیرش
احترام	احترام به عقاید سایر ادیان	روابط بین فردی	86%	82%	87.5%	80%
			پذیرش	پذیرش	ارتباط/عدم ارتباط	ارتباط
آزادی	نظارت سایر ادیان بر رفتار	روابط بین فردی	28.5%	9%	25%	10%
			عدم پذیرش	عدم پذیرش	نظارت/عدم نظارت	نظارت
آزادی در بیان عقاید	نظارت و کنترل حکومت بر رفتار	روابط فرا فردی	21.5%	9%	12.5%	20%
			پذیرش نسبی	عدم پذیرش	ارتباط/عدم ارتباط	کنترل/عدم کنترل
آزادی در بیان عقاید	روابط فرا فردی	روابط فرا فردی	78.5%	91%	87.5%	60%
			عدم احساس کنترل فضا	عدم احساس کنترل فضا	احساس کنترل	کنترل/عدم کنترل
ارتباط	راحتی برای برقراری ارتباط	روابط بین فردی	43%	45.5%	25%	30%
			احساس راحتی نسبی	احساس راحتی نسبی	عدم احساس راحتی	راحتی/عدم راحتی
ضرورت وجود تشابه دینی برای برقراری ارتباط	روابط بین فردی	روابط بین فردی	86%	82%	87.5%	70%
			پذیرش	پذیرش	ارتباط/عدم ارتباط	ارتباط



کمتر است. بر خلاف آنکه زرتشتیان، در مقام مقیاس با سایر خرده فرهنگ‌ها، بیشتر مورد پذیرش عمومی و حکومتی هستند و از لحاظ تاریخی در ارتباط بیشتر با ایرانیان هستند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که عموماً بیشتر در حاشیه و کمتر در ارتباط با سایر ادیان هستند. برای مثال در رابطه با مفهوم احترام، برخلاف پذیرش احترام به دیگران، اما پایینترین میزان به این گروه اختصاص یافته است. در عین حال در برقراری ارتباط با سایر ادیان نیز احساس راحتی کمتری دارند. در مورد اخیر، کمترین درصد به یهودیان اختصاص دارد، که این نتیجه با توجه به پذیرش کمتر آنها در فرهنگ غالب، به نظر منطقی است. پیروان این دین، همچنین بیشتر احساس قضاوت شدن توسط سایر ادیان را احساس می‌کنند. در عین حال زرتشتیان، بیشتر از خرده فرهنگ‌های دیگر، احساس نظارت توسط حکومت را ادراک می‌کنند. آنها همچنین کمتر از سایر ادیان، امکان آزادی در بیان عقاید را می‌پذیرند. نکته دیگر آنکه آنها، همچنین با اکثریت آرا، ضرورت وجود مظاهر و نمادهای فرهنگی دین خود را برای حضور در فضا، مورد تأکید قرار داده‌اند.

**3-2-2- بررسی مکان زیسته ادیان در خیابان سی تیر**  
**بازشناسی دانش‌واژه‌ها:** از آنجاکه موضوع کلیدی در مفهوم بعد مکان زیسته، «درون‌بودگی (درب‌گرفته شدن)» در مقابل «برون‌بودگی (طردشدگی)» است. بنابراین در بازشناسی دانش‌واژه‌ها در این بخش، به این مفهوم توجه شد. درون‌بودگی که در ادبیات پدیدارشناسی مکان و در دیدگاه شولتز و رلف مطرح شد، بستری مناسبی را برای حضور و احساس مطلوب از بودن در فضا فراهم می‌آورد. در عین حال در بررسی مکان زیسته، مفاهیمی که فضا القاء می‌کند نیز، مورد توجه است. بدین ترتیب با بازخوانی مصادیق و طبقه‌بندی آنها دانش‌واژه‌های: «خوشایندی»، «آزادی»، «زیبایی»، «تعلق» و «رویداد» تبیین شد.

- نتایج کلی: به صورت کلی زرتشتیان بیشترین عدم رضایت از محیط را اذعان نموده‌اند. هرچند به صورت نسبی همه ادیان از بودن در این فضا احساس مطلوبی

بازشناسی دانش‌واژه‌های مرتبط با روابط زیسته: همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، دانش‌واژه‌های شناسایی شده در این بعد، مشتمل بر سه مفهوم «ارتباط»، «آزادی» و «احترام» هستند. در واقع براساس مدل ارتباط بین فرهنگی و پذیرش رویکرد هم خود و هم دیگری، که پیش از این بیان شد، فرهنگ‌ها با توجه به ماهیت سیال و پویای خود، ارتباطی دو سویه با هم دارند. بر این اساس، مبنای شکل‌گیری این ارتباط، «پذیرش» دیگری به عنوان یک فرهنگ و در نظر نگرفتن آن با عنوان طبیعت یا بربریت است. بنابراین «احترام» به فرهنگ دیگری یا فرهنگ‌های دیگری و همچنین ضرورت ایجاد ارتباط دوسویه، مورد توجه هستند.

از آنجا که ارتباط صرفاً، مشتمل بر روابط بین فردی نیست، و این نوع از رابطه خود تحت تأثیر روابط فرا فردی است، بنابراین دانش‌واژه «آزادی» نیز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع حکومت و دولت روابط بین فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار داده و قابی گفتمانی تعریف می‌کنند که روابط بین فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه مصادیق مطرح شده براساس دانش‌واژه‌های بازشناسی شده، دسته‌بندی شد تا به تفصیل امکان بررسی و تحلیل وجود داشته باشد.

- نتایج کلی: به صورت کلی در خیابان سی تیر همزیستی نسبتاً مناسبی بین ادیان جاری و ساری است. به صورتی که کم و بیش ادیان ضمن پذیرش یکدیگر، به سایر ادیان احترام گذارده و از نظر پیروان ادیان مختلف، آزادی نسبی برای بیان عقاید یا انجام عمل مذهبی باید وجود داشته باشد. نکته جالب توجه اینکه مسلمانان برخلاف آنکه فرهنگ غالب را می‌سازند، اما احساس آزادی نسبی در فضا دارند. در عین حال با توجه به تسلط فرهنگی بعضاً در مواردی در احترام گذاشتن به سایر ادیان ضعیف عمل می‌کنند.

- نتایج تفصیلی: نتایج مقایسه‌ای خرده فرهنگ‌ها به عنوان مصداق فرهنگ دیگری در مقابل فرهنگ خودی، نشان می‌دهد، در بسیاری از مقوله‌ها، زرتشتیان در مقام مقایسه با دو خرده فرهنگ دیگر، در مصادیق مرتبط با دانش‌واژه‌ها، ضعیف‌تر بوده و بنابراین دایره پذیرش آنها

دارند و حدی از درون بودگی ایجاد شده است. نکته جالب توجه مربوط به نتایج به دست آمده مربوط به مسلمانان است که برخلاف آنکه فرهنگ غالب محدوده هستند، لیکن رضایت آنها از خیابان، حداکثری نیست.

- نتایج تفصیلی: بررسی نتایج تفصیلی، تأییدی از رضایت کمتر زرتشتیان در ابعاد مختلف دارد. همان طور که پیشتر مطرح شد، برخلاف پذیرش بیشتر پیروان این دین، انتظار می رفت نتایج معکوس باشد، اما به نظر می رسد نتایج به دست آمده ممکن است ناشی از این پذیرش نسبی عمومی و حکومتی و در نتیجه توقع بیشتری این گروه از فضا باشد. همچنین یهودیان به عنوان گروه کمتر پذیرفته شده، بیشترین سازگاری را با شرایط فضا دارند. این امر شاید از این رو باشد که حداقل در خیابان سی تیر، شرایط بهتری برای آنها در مقام مقایسه با سایر فضاها در شهر تهران وجود دارد. به صورت کلی در معیار خوشایندی، و در سه زیر معیار «مطلوبیت»، «آرامش» و «ایمنی»، کمترین درصدها مربوط به پیروان دین زرتشت است. رده دوم در عدم احساس خوشایندی در فضا در میان خرده فرهنگها، به یهودیان اختصاص دارد.

در ارتباط با دانش واژه «آزادی» نیز، برخلاف آنکه همه ادیان احساس آزادی مطلوبی در فضا دارند؛ اما زرتشتیان کمتر از سایر ادیان احساس آزادی می کنند. در خصوص «زیبایی» نیز زرتشتیان، فضا را نازیبا ادراک می کنند؛ این در حالی است که حداقلی از زیبایی نزد سایر ادیان مورد توجه است. همچنین در رابطه با عناصر تاریخی موجود در خیابان نیز مسیحیان و پس از آن زرتشتیان با فاصله از سایر ادیان، فضا را تاریخی می دانند. «احساس تعلق فضایی» زرتشتیان کمتر از سایر ادیان بوده و از میان خرده فرهنگها رتبه بعدی به یهودیان اختصاص دارد. از حیث «رویدادپذیری» فضا نیز، زرتشتیان، فضا را کمتر از سایر ادیان برای بروز فعالیت ادیان مناسب می داند. این در حالی است که مسلمانان بیشتر از سایرین، فضا را نمود فعالیت مذهبی ادیان می دانند.

**3-2-3- بررسی زمان زیسته ادیان در خیابان سی تیر**  
 بازشناسی دانش واژهها: با توجه به تعریفی که از زمان زیسته ارائه شد، به طور کلی این بعد ضمن در برگیری «عوامل تاریخی (تاریخگری) و هویت بخش»، «ماندگاری حضور» در فضا را در برمی گیرد. دانش واژه های شناسایی شده در ارتباط با مقوله اول مشتمل بر: «تعلق»، «هویت»، «تاریخمندی» و همچنین «حافظه ی تاریخی» است. در عین حال به نظر نگارندگان، دانش واژه های شناسایی شده در دو بعد هم زمانی و در زمانی قابل طبقه بندی است.

- نتایج کلی: تنها در این بعد از تجربه زیسته، اتفاق نظر مثبتی در بین ادیان مشاهده نمی شود. برای مثال همه ادیان حافظه تاریخی نامناسبی از فضا دارند، هر چند وضعیت یهودیان بهتر از سایر ادیان بود و شاید همین امر سبب شده است در سایر ابعاد تجربه زیسته نیز، از پذیرش بالاتری برخوردار باشند. در این میان وضعیت فرهنگ غالب چون موارد قبلی در مقام مقایسه با شرایط خرده فرهنگها پایینتر است.

- نتایج تفصیلی تر: احساس تعلق فضایی زرتشتیان از فضا کمتر از سایر ادیان و حتی در مرز بین داشتن و نداشتن تعلق فضایی است. از نظر تاریخمندی نیز، زرتشتیان کمتر از سایر ادیان، فضا را تاریخی دریافت می کنند، به همین دلیل است که اصالت فضا را نیز کمتر از سایر ادیان ارزیابی می کنند.

### 3-3- انطباق نتایج به دست آمده در ابعاد تجربه زیسته

#### و تدوین مدل

در واقع از آنجا که این ابعاد دارای تأثیر متقابل است، لذا عدم پرداختن به این موضوع، قابلیت اعتبار داده ها را خدشه دار خواهد نمود. همان طور که بیان شد اولین گام از ارتباطات بین فرهنگی، پذیرش ارتباط بین فرهنگها و در عین حال پذیرش فرهنگ به مثابه امری پویا و سیال است. بنابراین در صورتی که ارتباط بین فرهنگی ضعیف باشد و روابط مناسبی ایجاد نگردد، قطعاً سایر ابعاد تجربه زیسته تحت تأثیر قرار می گیرد. در اینجا برای روشن شدن موضوع مثال پیروان دین زرتشت ارائه می گردد.





جدول 4- بررسی مقایسه‌ای ابعاد مکان زیسته ادیان و بازشناسی انواع تقابل‌های دوگانه فرهنگ خودی و دیگری  
Tab. 4- Comparative evaluation of the dimensions of the lived relationships between religions and

Recognition of binary opposition types of the self and other culture

زیرمعیارهای خود/دیگری	دیگری فرهنگی			خود فرهنگی	گویه‌ها	دانش‌واژه خوشایندی
	زرتشتیان	یهودیان	مسیحیان	مسلمانان		
مطلوب/نامطلوب	٪70	٪87.5	٪91	٪78.5	مطلوبیت	
	پذیرش نسبی	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری	پذیرش نسبی		
آرامش/عدم آرامش	٪70	٪87.5	٪91	٪93	احساس آرامش از حضور در فضا	
	پذیرش نسبی	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری		
امنیت/عدم امنیت	٪90	٪75	٪91	٪93	احساس امنیت	
	پذیرش حداکثری	کمترین میزان پذیرش	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری		
ایمنی/عدم ایمنی	٪80	٪87.5	٪91	٪86	احساس ایمنی	
	کمترین میزان پذیرش	پذیرش حداکثری	پذیرش کم	پذیرش کم		
	٪80	٪87.5	٪91	٪86		
	کمترین میزان پذیرش	پذیرش حداکثری	پذیرش کم	پذیرش کم	احساس آزادی	
آزادی/کنترل	٪80	٪87.5	٪91	٪93	احساس قدرت/عدم ناتوانی	آزادی
	کمترین میزان پذیرش	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری		
	٪40	٪87.5	٪54.5	٪64		
زیبایی/نازیبایی	کمترین میزان پذیرش	پذیرش حداکثری	پذیرش حداقلی	پذیرش نسبی	زیبایی خیابان	زیبایی
تاریخ‌مندی/عدم تاریخ‌مندی	٪60	٪87.5	٪54.5	٪86	وجود عناصر و کالبد تاریخی	
	پذیرش حداقلی	پذیرش حداکثری	پذیرش حداقلی	پذیرش حداکثری		
	٪50	٪75	٪82	٪78.5	احساس تعلق فضایی	تعلق
تعلق/عدم تعلق	پذیرش حداقلی	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری	پذیرش نسبی		
	٪10	٪12	٪18	٪21.5	نمود فعالیت	
رویداد/محوری/عدم رویداد محوری	عدم پذیرش حداقلی	عدم پذیرش حداقلی	عدم پذیرش حداقلی	عدم پذیرش حداقلی	مذهبی ادیان	رویداد و فعالیت
	٪70	٪87.5	٪91	٪86	سرزندگی و پویایی فضا	
سرزندگی/عدم سرزندگی	پذیرش نسبی	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری	پذیرش حداکثری		

رویدادپذیری کمتر ادراک کرده، بلکه این امر بر احساس آزادی آنها در فضا و احساس تعلق تأثیر منفی داشته است. بنابراین ارتباطپذیری کمتر با سایر ادیان، و احساس کنترل فضا، احساس درون‌بودگی (درب‌گیرندگی فضایی) را تحت تأثیر قرار داده است. در عین حال نتایج به دست آمده از ابعاد زمان زیسته نیز مؤید این موضوع است، به صورتی که این گروه از مصاحبه‌شوندگان، کمتر فضا را تاریخی و واجد اصالت می‌دانند، کمتر حافظه تاریخی از فضا داشته، و در نتیجه کمتر در فضا می‌مانند و تعلق فضایی پایینتری

بررسی روابط زیسته در رابطه با این گروه نشان داد، آنها در ارتباط کمتر با سایر ادیان بوده و در عین حال احساس نظارت و کنترل بیشتری بر رفتار خود احساس می‌کنند، بنابراین روابط زیسته آنها در مقام مقایسه با سایر ادیان، دچار اشکال و بیشتر تحت کنترل است. بنابراین از آنجاکه اولین گام از تجربه زیسته، یعنی ارتباطات زیسته به درستی ایجاد نشده است، ادراک زرتشتیان از مکان زیسته نیز، نسبت به سایر ادیان در وضعیت پایینتری است، به صورتی که نه تنها آنها فضا را کمتر خوشایند، کمتر مطلوب، کمتر زیبا و با

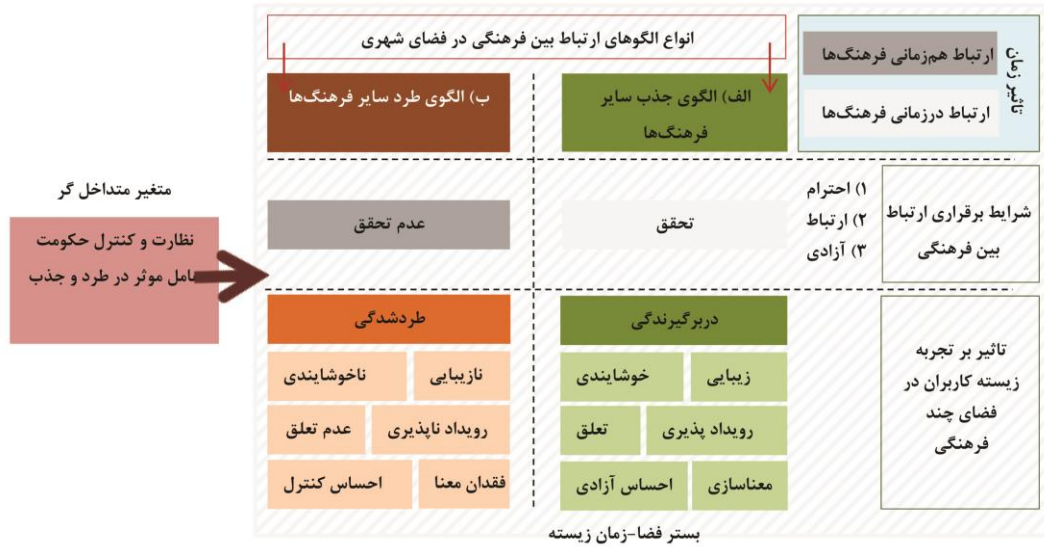
دارند. این مقوله‌ها توأمان ابعاد هم‌زمانی و در زمانی را در بردارد، یعنی نه تنها ارتباط با گذشته، بلکه معانی ادارک شده در زمان حال نیز برای این گروه دچار اشکالاتی است.

در انتها لازم است تا مدل مطلوب روابط بین فرهنگی را با هدف قوام بخشی به تجربه زیسته فرهنگ‌های درگیر تبیین شود. نکته واجد تمایز این مدل آن است که این مدل برخلاف مدل‌های ارتباط بین فرهنگی مرسوم که بیشتر در مطالعات ترجمه و مطالعات بین فرهنگی نمود دارد، ابعاد تجربه زیسته را مورد توجه قرار داده است. مدل ارائه شده، با توجه به تحلیل‌های به‌دست آمده از بخش قبل و دانش واژه‌های شناسایی شده در هر بعد و همچنین دوگانه‌های به‌دست آمده در هر بعد، تدوین می‌گردد. روابط زیسته بین فرهنگ خود (غالب) و فرهنگ یا فرهنگ‌های دیگری در یک مکان-زمان زیسته بروز و نمود می‌یابد. ضرورت ارتباط، با پذیرش سایر فرهنگ‌ها صورت پذیرد که در این حالت ضرورتاً احترام و آزادی برقرار می‌شود و ارتباطات مناسبی بین فرهنگ خودی و دیگرهای فرهنگی محقق می‌شود.

هرچند همواره نظارت و کنترل دولت یا حکومت، به صورت یک عامل فرافردی و تأثیرگذار بر ارتباطات بین فردی، دایره این ارتباط، احترام، آزادی و پذیرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و قابی گفتمانی را شکل می‌دهد. همان‌طور که بیان شد، روابط بین فرهنگی در یک فضا-زمان زیسته شکل می‌گیرند. ویژگی‌های فضای زیسته در صورت وجود ارتباط بین فرهنگی برای دیگری‌هایی که در مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، دربرگیرندگی در مقابل طردشدگی است. هرچند بدون شک همه دیگری‌ها، به یک نسبت این احساس دربرگیرندگی را درک نمی‌کنند. این فضا هم‌چنین بستری است که در آن انتقال معنا صورت می‌پذیرد و واجد معیارهایی چون خوشایندی، زیبایی، تعلق، رویدادپذیری و احساس آزادی است. این درحالی است که اگر فضای زیسته محقق نشود، طردشدگی فضایی به وجود آمده و در نتیجه فضا غیر مطلوب، ناآرام، ناخوشایند، غیر ایمن، ناامن، نازیبا، غیر سرزنده و رویدادناپذیر می‌شود.

جدول 5- بررسی مقایسه‌ای ابعاد زمان زیسته ادیان و بازشناسی انواع تقابل‌های دوگانه فرهنگ خودی و دیگری  
 Tab. 5- Comparative evaluation of the dimensions of the lived time between religions and recognition of binary opposition types of the self and other culture

زیرمعیارهای خود/دیگری	فرهنگ دیگری			فرهنگ خودی	گویه‌ها	دانش‌واژه
	زرتشتیان	یهودیان	مسیحیان	مسلمانان		
تعلق/عدم تعلق	50%	87.7%	91%	78.5%	احساس تعلق فضایی	هم‌زمانی
تشخص/عدم تشخص	40%	87.7%	63.5%	78.5%	حضور در فضایی با شاخص‌های مذهب خودی	هم‌زمانی
فرهنگی-مذهبی/ غیر فرهنگی	80%	87.5%	91%	86%	اصالت	در زمانی
تاریخی/ غیر تاریخی	60%	87.5%	63.5%	78.5%	وجود عناصر و کالبد تاریخی در فضا	در زمانی
مکت/ عبور	50%	87.5%	63.5%	78.5%	مدت حضور (بیش از نیم روز)	ماندگاری حضور
	پذیرش نسبی	پذیرش حداکثری	پذیرش نسبی	پذیرش حداکثری		
خاطره جمعی/نداشتن خاطره جمعی	30%	62.5%	45.5%	36%	دفعات حضور	حافظه تاریخی
	عدم پذیرش نسبی	پذیرش نسبی	عدم پذیرش نسبی	عدم پذیرش نسبی		
	50%	50%	54.5%	36%	وقایع تاریخی	
		پذیرش نسبی		عدم پذیرش نسبی		



شکل 3- مدل بهینه ارتباطات بین فرهنگی در یک عرصه عمومی چند فرهنگی و با تاکید بر ابعاد تجربه‌ی زیسته  
 Fig. 3- The optimal model of intercultural relationships in a multicultural public arena with emphasis on lived experience dimensions

مفاهیمی چون دربرگیرندگی و طردشدگی فضایی از منظر این حوزه دانشی مورد توجه قرار گرفت. در ادامه از آنجا که این رویکرد، در مقیاس خرد به بررسی الگوهای مردمان فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد. از مطالعه تجربه زیسته که روشی مقبول در دستیابی به گنه تجربه کاربر در فضا است، بهره برده شد و بنابراین مبتنی بر تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، خیابان سی تیر که به عنوان خیابان ادیان نام‌گذاری شده، واجد پتانسیل‌هایی است که آن را به بستری منحصر به فرد تبدیل کرده، لیکن عوامل مؤثر بر طردشدگی فضایی برخی از گروه‌ها سبب شده است که این فضا نتواند چون گذشته، به عنوان فضای چندفرهنگی عمل نماید. نتایج نشان داد چگونه در یک فضای عمومی چندفرهنگی، به ویژه در بستری که تفاوت فرهنگی ناشی از مذهب است، طردشدگی اتفاق می‌افتد. در این میان برخلاف پذیرش نسبی مردمان فرهنگ غالب از سایر فرهنگ‌ها، به دلیل نفوذ قدرت سیاسی و ایدئولوژی، رفتار کاربران سایر فرهنگ‌ها محدود و کنترل می‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد گذر از رویکرد طرد به جذب در قاب گفتمان جوامعی این چینی، نیازمند تغییرات در سطوح مختلف و از

در بررسی بعد زمان، هم ارتباطات در زمانی مطرح است که در آن تاریخ و خاطره جمعی بروز و نمود می‌یابد و هم ارتباطات هم‌زمانی نقش می‌گیرد که معانی فضا در حال حاضر را مورد توجه قرار می‌دهد. در عین حال می‌توان به بررسی رابطه در زمانی دیگری‌های فرهنگی به خود فرهنگی و یا بررسی در زمانی هر فرهنگ با خود پرداخت. همچنین است ارتباط هم‌زمانی میان دیگری‌های فرهنگی و خود فرهنگی.

#### 4- نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر گونه‌ای از فضاهای عمومی در شهر تهران، بررسی شد. بر خلاف آنکه فضاهای عمومی چندفرهنگی در تجارب جهانی بیشتر در ارتباط با فضاهای چندفرهنگی در جوامع مهاجرپذیر هستند، در اینجا گونه‌ای از این فضاها بررسی شد که عامل مذهب، به عنوان یکی از نموده‌های مهم فرهنگ، در ایجاد آن مؤثر است. به منظور بررسی این گونه از فضا و علل موفقیت یا عدم موفقیت آن، تلاش شد تا با رجوع به ادبیات حوزه مطالعات فرهنگی و بررسی مدل‌های ارتباطات بین فرهنگی، اجزاء و الگوهای مطرح در این حوزه شناسایی شود. بررسی مکانسیم طرد و جذب و انطباق آن با ادبیات طراحی شهری، و توجه به



Vol.9, No. 2, Soviet Semiotics and Criticism: An Anthology. (Winter 1978), Pp. 211-232.

Chenari, M. (2007). Comparison of Hostel, Heidegger and Gadamer by a methodological test. Philosophical- verbal researches, 34, 113-138. [in Persian]

Ebrahimi Dinani, Gh. (2013). Philosophy and speech area. Tehran: Hermes publication. [in Persian]

EbrahimZadeh, F. (2011). Tehran; Adyan Street. Hamshahri Mah Journal (Iranshenasi special letter), 72. [in Persian]

Emami Sigaroodi, A., Dehghan Nayeri, N., Rahnavard, Z., Noori Saeid, A. (2012). Qualitative research methodology: phenomenology. Comprehensive nursery and midwifery, 68(22), 56-63. [in Persian]

GhaziTabatabaei, M. (1995). Special techniques in social sciences field. Payame-Noor publication. [in Persian]

Groat, L. N. and Wang, D. (2013). Architectural research methods. (Alireza Einifar. Trans.). Tehran: University of Tehran Publication. [in Persian]

Low, S., Taplin, D., and Scheld, S. (2005). Rethinking Urban Parks: Public Space and Cultural Diversity. Austin: The University of Texas Press.

MadaniPour, A. (2000). Design of urban space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process. (Farhad Mortezaei. Trans.). Tehran: Pardazesh and Barnamerizi Shahri Company publication. [in Persian]

Madanipour, A., Knierbein, S., Degros, A. (2013). Public Space and the Challenges of Urban Transformation in Europe, Routledge.

Mehta, V. (2013). The Street: A Quintessential Social Public Space, Routledge.

Moein, M. (2008). Moein Persian dictionary. Tehran: research and planning part of Moein Publication. [in Persian]

Mohsenian Rad, M. (1990). Understanding communications. Tehran: Soroush publication. [in Persian]

کلان به خرد است. این امر بدون شک در گام اول نیازمند، تغییر به سمت جامعه مدنی و پذیرفتن شرایط تحقق عرصه عمومی است که در آن همه کاربران فضا فارغ از قومیت، جنسیت، مذهب، فرهنگ، رنگ و... امکان حضور و تزامم آراء و اندیشه‌ها را داشته باشند. تحقق این گام اساسی، نیازمند توجه هم‌زمان به تغییرات مدنی و ساختاری است. تحقق این گام می‌تواند، به مطلوبیت ابعاد محتوایی و کالبدی چنین فضاهای عمومی کمک نموده و آنها را به فضاهایی موفق تبدیل نماید.

### پی‌نوشت

- <sup>1</sup> Snoesson
- <sup>2</sup> Lotman and Uspenski
- <sup>3</sup> Torop
- <sup>4</sup> Otto Friedrich Bollnow
- <sup>5</sup> Multiple Publics
- <sup>6</sup> Communication
- <sup>7</sup> Communis
- <sup>8</sup> Life-world
- <sup>9</sup> Lived-Body, Lived-Time, Lived-Human Relations, Lived-Space
- <sup>10</sup> پدیدارشناسی می‌تواند توصیفی یا مبنی‌گرا (تحت تأثیر هوسرل) و یا تفسیری غیر مبنی‌گرا (تحت تأثیر هایدگر) باشد ( Emami Sigaroodi, et Partovi, 2015; al., 2012).

<sup>11</sup> Lived Experience

### منابع

- Azkiya, M., Darban Astaneh, A. (2003). Practical methods of research. Tehran: Samt publication. [in Persian]
- Beeman, W. (2016). Language, status, and power in Iran (Reza Moghaddam Kia Trans.). Ney publication. Tehran. [in Persian]
- Berdsha, L. (2006). The political thought of Hannah Arendt (Khashayar Deihimi. Trans.) Tehran: Tarhe-No publication. [in Persian]
- Burayidi, A. (2004). (Ed.), Urban Planning in a Multicultural Society (pp. 207-224). Westport, CT: Praeger.
- Burayidi, M. A. (2000). Fotman Yu, M and Uspenski, B.A. (1971). On the Semiotics Mechanism of Culture. New Literary History,



Sen, S. (2000). Some Thoughts on Incorporating Multiculturalism in Urban Design Education. In M.

Senesson, G. (1998). The concept of text in cultural semiotics. Trudy po znakyvym sistemam, sign system studies 26, Totop, Peter, Lotman, Michail, and Kull, Kalvei (eds.), 88-114, Tartu University Press.

Smith, P., and Bond, M. (1998). Social psychology across cultures. Harlow: Prentice Hall Europe.

Society (pp. 37-51). Westport, CT: Praeger.

Sojoodi, F. (2009). Inter-cultural communications: translation and its impact in absorption and rejection processes. Iran cultural researches, 1, 141-153. [in Persian]

Sojoodi, F. (2011). Semiotics: practice and theory. Tehran: Elm publication. [in Persian]

Spencer-Oatey, H., and Franklin, P. (2009). Intercultural interaction: a multidisciplinary approach to intercultural communication. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Taheri, R. (2010). Aesthetic in hermeneutic of Gadamer. Tehran: Negah-e-Moaser publication. [in Persian]

Torop, P. (2002). Translation as culture. Sign Systems Studies, 30.2, Pp. 594-605.

Valle, R. S., King, M., and Halling, S. (1989). An introduction to existential-phenomenological thought in psychology. In R. S. Valle and S. Halling (Eds.), Existential-phenomenological perspectives in psychology: Exploring the breadth of human experience (p. 3-16). Plenum Press.

Van Manen, M. (1997). Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy. London, ON: The Althouse Press.

Varna, G., and Tiesdell, S. (2010). Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness. Journal of Urban Design, 15(4), 575-598.

Morday Pardanjan, H., Sadeghi, S. (2014). Phenomenology: a philosophical, impetrative and methodological approach to entrepreneurship studies. Religious methodology, 1(2), 62-72. [in Persian]

Norberg-Schulz, C. (2000). Architecture: Presence, Language, Place, (Skira Library of Architecture).

Nozari, H. (2002). Habermas reread. Tehran: Cheshmeh Publication. [in Persian]

Pakzad, J. (2010). The line of thought in urbanism. 2<sup>nd</sup> Volume: From quantity to quality. Tehran: Armanshahr. [in Persian]

Partovi, P. (2015). Phenomenology of place. 3<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Farhangestan- Honar publication. [in Persian]

PPS. (2008). Making Multicultural Places. New York: Project for Public Spaces, Inc.

Ranjbar, Hadi et al., (2012). Sampling in qualitative researches: a guideline for start. Medical Science University of Islamic Republic of Iran military, 10(3), 238-250. [in Persian]

Rapoport, A. (2005). The meaning of built environment, an approach in non-verbal communication. (Farah Habib. Trans.). Tehran: Pardazesh and Barnamerizi-shahri publication. [in Persian]

Salibi, Z. (2011). An analysis of non-verbal communication role in social mutual action. Cultural sociology, 2(2), 101-119. [in Persian]

Samavar, Lari E et al. (2000). The relation among cultures (Gholamreza Sobhani et al., Trans.). Tehran: Baz publication. [in Persian]

Sarraf, M. (2015). Spatiality of Multiculturalism, Unpublished PhD Dissertation, KTH Royal Institute of Technology, Stockholm, Sweden  
Seamon, D. (2018). Life Takes Place: Phenomenology, Lifeworlds, and Place Making, Routledge.

